

تاریخ
علوم عقلی در تمدن اسلامی

(ویرایش جدید)

تا اواسط قرن پنجم

تألیف

دکتر ذبیح الله صفا



انتشارات مجید

صفا، ذبیح‌الله، ۱۲۹۰ - ۱۳۷۸.

تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم / تألیف ذبیح‌الله صفا. - [ویراستار
زهرا دامیار] - تهران: مجید، ۱۳۸۴.

ISBN 964 - 453 - 068 - 3

۴۹۶ ص.

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیبا.

کتابنامه به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. فلسفه اسلامی - تاریخ. ۲. علوم - تاریخ. ۳. علوم - کشورهای اسلامی. ۴. علوم - ایران. ۵. علوم اسلامی - تاریخ. الف. عنوان.

۱۸۹/۱

۲ ت ۷ ص / BBR ۱۵

۱۳۸۴

۲۸۵۹۶ - ۸۳م

کتابخانه ملی ایران



خیابان لبافی‌نژاد - مابین خیابان ۱۲ فروردین و اردیبهشت - پلاک ۲۰۸ - تلفن ۶۴۹۵۷۷۹ - ۶۴۹۵۷۱۳

تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی

دکتر ذبیح‌الله صفا

(ویرایش جدید)

ویراستار: زهرا دامیار

چاپ اول، تهران - ۱۳۸۴

۱۵۰۰ نسخه

حروفچینی: نارون

چاپخانه: رامین

همه حقوق محفوظ است.

شابک ۳ - ۰۶۸ - ۴۵۳ - ۹۶۴ - 964 - 453 - 068 - 3

۵۰۰ تومان

فهرست مطالب

۷	 مقدمه
۱۳	 مراکز مهم علوم
۱۳	 مقارن ظهور اسلام
۱۴	 حوزه علمی اسکندریه
۲۱	 انتقال علوم از اسکندریه به بلاد شرق ادنی
۲۳	 مراکز علمی سریانی
۳۱	 مراکز علمی ایران
۴۴	 معارف هندوان
۴۷	 ترجمه و نقل علوم در تمدن اسلامی
۴۷	 اطلاعات عرب در جاهلیت
۴۹	 تازیان مسلمان و علوم عقلی
۵۱	 سوختن کتاب‌های اسکندریه و ایران
۵۲	 تأثیر ایرانیان در تدوین علوم عقلی اسلامی
۵۴	 علل تأثیر ایرانیان در نقل و تدوین علوم
۵۵	 آغاز توجه به نقل علوم
۵۷	 از منصور تا مأمون
۶۱	 عهد مأمون
۶۴	 رجال و خاندان‌های ایرانی

۶۶	بيت الحكمة.....
۶۹	مترجمان بزرگ.....
۱۱۱	کتاب و علماء استفاد.....
۱۴۵	علوم عقلی در تمدن اسلامی.....
۱۴۵	حدود استفادهٔ مسلمین از علوم عقلی.....
۱۴۹	عهد اعتلای علوم.....
۱۵۷	دورهٔ انحطاط علوم.....
۱۶۲	مشکلات علوم و علما در تمدن اسلامی.....
۱۷۶	مراکز مهم علوم عقلی.....
۱۸۱	فلسفه.....
۳۶۵	ملحقات.....
۳۶۷	آثار مترجمان.....
۳۶۸	عبدالله بن المقفع.....
۳۷۱	ابویحیی البطریق.....
۳۷۱	ابن البطریق.....
۳۷۳	حنین بن اسحق.....
۳۸۱	اسحق بن حنین.....
۳۸۵	قسطابن لوقا.....
۳۸۸	حبیب بن الحسن الاعسم.....
۳۸۹	عیسی بن یحیی.....
۳۹۰	حجاج بن یوسف بن مطر (= مطران).....
۳۹۰	ثابت بن قره الحرائی.....
۳۹۳	ابو عثمان سعید بن یعقوب الدمشقی.....
۳۹۶	اصطفی بن بسیل.....
۳۹۸	اسطاث.....
۳۹۹	ابن ناعمه (عبدالمسیح بن عبدالله المحصی الناعمی).....
۴۰۰	ابوبشر متی بن یونس القنائی.....
۴۰۱	ابوزکریا یحیی بن عدی.....

۴۰۱	ابن زرعه.....
۴۰۱	نظیف القس الرومی (نظیف بن یمن المتطبب).....
۴۰۲	ابن وحشیة الکلدانی.....
۴۰۳	هلال بن ابی هلال الحمصی.....
۴۰۳	بسیل المطران.....
۴۰۳	تدرس (تدرس) السنقل.....
۴۰۵	ابراهیم بن عبدالله النصرائی الکاتب.....
۴۰۶	اسحق بن ابی الحسن بن ابراهیم.....
۴۰۶	سرجس بن هلیا الرومی.....
۴۰۷	عیسی بن ابراهیم البصری.....
۴۰۸	احمد بن یوسف المصری المهندس.....
۴۰۹	ارسطو.....
۴۱۰	الاسکندر الافرودیسی.....
۴۱۱	اقلیدس.....
۴۱۲	ارشمیدس.....
۴۱۳	ارسطرخس.....
۴۱۳	ثاوذوسیوس.....
۴۱۳	بطالمیوس القلوذی.....
۴۱۳	بقراط.....
۴۱۴	مغنیس الحمصی.....
۴۱۴	جالینوس.....
۴۱۵	فهرست اعلام تاریخ.....
۴۴۹	فهرست اسامی قبایل و اقوام و فرق.....
۴۶۳	فهرست اسماء کتب و رسالات و مقالات.....

مقدمه

به نام ایزد بخشاینده بخشایشگر

تمدن اسلامی به درجه‌ای از عظمت و در مرتبتی از کمال و پهناوری است که آگهی از همه ابواب و احاطه بر همه انحاء آن به واقع دشوار است و اگر کسی یافته شود که در صدد این ادعا برآید، باید به قلت اطلاع و گستاخی وی حکم کرد.

مهم‌ترین عنصر از عناصر این تمدن، علوم شرعی و عقلی و ادبی آن است که به زبان‌های عربی و فارسی تألیف و تدوین شده و نه تنها احاطه بر همه آن‌ها و اطلاع از تمامی کتب و علماء هر فن برای این حقیق میسر نشده است، بلکه تصور نمی‌رود جز برای کسانی که مؤید به تأییدات الهی باشند ممکن باشد. این است که اگر من گستاخی کرده و در راهی درآمده‌ام که باید با زاد فراوان و توشه بسیار و صبر جزیل و زحمت کثیر پیموده شود، نه از آن باب است که تصور فهم علوم اسلامی و ادعای بهره‌مندی از آن‌ها کنم، یا مدعی آن باشم که تاریخ این دسته از دانش‌های مسلمین را خوب شناخته و به نیکی از کیفیت و کمیت کتب و علمای آن سخن گفته‌ام، بلکه تنها از آن جهت است که بایی را در تحقیقات تاریخی به زبان پارسی گشوده و قدری از مشکلات کار جویندگان اطلاعات را در این زمینه کاسته باشم.

این کتاب نه تنها کامل نیست، بلکه ناقص و حتی ناقص‌تر از آن است که خواننده بیندیشد و نگارنده خود به موارد نقص آن بیش از دیگران معترف است، لیکن چون رشته تحقیق را در آن رها نخواهد کرد، شاید به تأیید خداوند متعال توفیق یابد که در آینده از شماره نقایص آن تا آن جا که میسر است بکاهد، و کتاب را به وضعی که

شایسته نام و موضوع آن است درآورد.

فعلاً این یک جلد به منزله «پیش درآمد» و آن هم «پیش درآمد» ناقصی از نحوه عمل در تاریخ علوم عقلی اسلامی است، که رسیدن به اصل و حقیقت آن در نظر حقیر واقعاً دشوار است.

چنان که خواننده گرامی آگاه است علوم عقلی در تمدن اسلامی اطلاق می شود بر تمام انواع حکمت و اصول و فروع هر یک از چهار علم الهی و طبیعی و ریاضی و اخلاق. از این علوم بحث در علم الهی و کلیات علم طبیعی و علم اخلاق را امروز باید ذیل عنوان حکمت یا فلسفه مورد مطالعه در آوریم و اجزاء علوم طبیعی و علوم ریاضی را جداگانه مورد بحث قرار دهیم و چون علم کلام نیز از بسیاری جهات بستگی به حکمت دارد بابتی خاص را مخصوص آن کنیم.

پس معلوم می شود که تحقیق نسبتاً مفصل در علوم عقلی اگرچه به چند قرن معین هم مقصور و منحصر باشد، در یک مجلد میسر نیست. این است که نگارنده این مجلد را تنها به ذکر مقدمات و بحث در تاریخ حکمت در تمدن اسلامی تا اواسط قرن پنجم مخصوص کرده است و تاریخ باقی علوم را در مجلداتی دیگر باز خواهد گفت.

نکته ای که این جا قابل ذکر است آن که: در تاریخ علوم عقلی هیچ گاه بحث در حقیقت و چگونگی یک یا چند علم مراد نیست، بلکه سیر آن علوم و تکاملی که نزد هر یک از علماء فن یافته، مورد نظر و مطالعه است. پس خواننده گرامی نباید در این کتاب منتظر آن باشد که فی المثل عین مباحث علم فلسفه و طب و ریاضی را بیابد، بلکه اگر هم به ذکر عقاید حکیم و ریاضی و طبیعی مبادرت شود مراد بیان موارد تکاملی است که او در آن علوم به وجود آورده است، و اگر عقاید حکیمی به اختصار آورده شود، مقصود اشاره به موارد اصلی و اساسی مباحث اوست و کاری به اثبات سخنان او و دفاع از آن نمی توان داشت.

نکته دیگر قابل طرح آن است که در همه مجلدات این کتاب دامنه بحث تا میانه قرن پنجم کشیده خواهد شد زیرا کار اصلی و اساسی مسلمین در علوم عقلی خاصه در قسمت شرقی ممالک اسلامی تا همین ایام بوده است. دیگر آن که تحقیق تاریخ علوم عقلی در همه ادوار تمدن اسلامی از قدرت یک تن خارج است و وقت

و زمان کافی و فرصت موسع می‌خواهد.

در مجلد حاضر بعد از آن که شمه‌ای از مقدمات آشنایی مسلمین با علوم عقلی و مراکز مهم علمی، پیش از رواج علوم عقلی در میان مسلمانان، و کیفیت نقل علوم عقلی، سخن گفته شد، بحثی مختصر در وضع علوم عقلی در تمدن اسلامی و سپس مطالعه‌ای در تاریخ فلسفه در تمدن اسلامی صورت گرفت و ابواب کتاب به نحوی که در فهرست مطالب ذکر شده است ترتیب یافت.

و اما کیفیت تدوین و طبع کتاب و پاره‌ای ملاحظات که باید به نظر خواننده عزیز برسد:

این کتاب ناچیز چنان که با مختصر دقتی در آن معلوم می‌شود حاصل مطالعات پراکنده‌ای است که مؤلف از چند سال پیش در تاریخ علوم عقلی می‌کرده و گاه به صورت مقالاتی در پاره‌ای از مجلات مانند دوره جدید مجله شیر و خورشید سرخ ایران و مجله مهر و یغما و دانش و جز آن منتشر می‌ساخته است.

سه سال پیش بنابر اجازه دانشگاه تهران بر آن شدم قسمتی از مقالات خود را که از حدود سال ۱۳۱۲ به بعد در مجلات انتشار داده بودم به صورت کتابی درآورم. نخست به طبع یکی از مقالات خود به عنوان «ترجمه و مترجمان در تمدن اسلامی و کیفیت انتقال طب و فلسفه و علوم ریاضی به اسلام» که از شماره دو از دهم سال اول مجله شیر و خورشید سرخ ایران (اردیبهشت ماه سال ۱۳۲۸) تا چند شماره انتشار یافته بود، آغاز کردم و در این حال به جای آن که قرار اصلی خود را اجرا کنم بهتر آن دیدم مقالات دیگری را که در زمینه تاریخ علوم در همان مجله و مجلات دیگر انتشار داده بودم، بر مقاله مذکور بینمایم و فواصل مطالب را پر کنم تا مجموعه آن مقالات و تحریرات جدید به صورت کتابی در آید و کتابی که اکنون تقدیم خواننده گرامی می‌شود بدین طریق فراهم آمده است.

پس نخستین مطلبی که باید ملحوظ نظر خواننده گرامی باشد آن است که این کتاب پیش از طبع، تنظیم و تدوین نشده بود تا چنان که باید ترتیب کامل یابد و ابواب و فصول آن منظم شود، بلکه قسمت اعظم آن به صورت یادداشت‌هایی در حین طبع تهیه گردیده و به مطبعه فرستاده شده است و بدین سبب اگر عدم تناسب یا نقصی در بعض موارد آن مشاهده شود بر نویسنده ناچیز آن خواهند بخشید.

چون در ایراد نام مترجمان و مؤلفان، مراد بیان مجموعه کارهایی بود که در فن خود انجام داده‌اند نه ذکر مؤلفات موجود و مطبوع آنان، این کار در ملحقاتی که بر کتاب افزوده شد، انجام یافت و در آن‌ها سعی شد غیر از کتب موجود که در متن کتاب مذکور افتاده است، از باقی کتب موجود تا آن جا که اطلاعی به دست آمده یاد شود، و پیداست که در این مورد هم مدعی نیستم که کاری خالی از نقص انجام یافته است و شاید بسیاری از نسخ خطی و کتب مطبوع دیگر باشد که از وجود آن‌ها اطلاع حاصل نشده و به ذکر آن‌ها در ملحقات مذکور مبادرت نگردیده است و امید است این نقص نیز بعد از این جبران شود.

مطلب دیگری که تذکار آن لازم است آن که: اگر ترجمه‌ای از متن‌های عربی و اروپایی در بعض موارد این کتاب صورت گرفته باشد از آن جهت نبود که به یک ترجمه ادبی تحت اللفظ که هیچ یک از اجزاء کلام در آن ساقط نشده و یا عنداللزوم تغییر نیافته باشد، دست زده باشم بلکه مراد آن بود که با حفظ مطلب و مقصود اصلی خلاصه‌ای که به کار خواننده آید ترتیب داده شود. این است که در بعض موارد، تطبیق ترجمه را کلمه به کلمه با متن اصلی ضمانت نمی‌کنم.

در متن کتاب چند جا که تحریر کلمات ایرانی یا هندی قدیم به حروف لاتین لازم بود، حرف c به جای حروف چ و a به جای فتحه و ā به جای «آ» به کار برده شد.

در فهرست عام کتاب هر جا که زیر دو عدد خطی نهاده شد (مثلاً ۳۵۲-۳۵۵) علامت آن است که راجع به کتاب یا کسی یا قومی از صحیفه ۳۵۲ تا صحیفه ۳۵۵ بحث شده است و در غیر این صورت هر عدد نشانه ذکر اسم در یک صحیفه است. در چند مورد معدود از ذکر مآخذ غفلت شده است و از این بابت پوزش می‌خواهم.

تهران ۲۰ دی‌ماه ۱۳۳۱

این کتاب در سال ۱۳۳۱ و از آن پس دوبار به سال‌های ۱۳۳۶ و ۱۳۴۶ شمسی در زمره انتشارات دانشگاه تهران به طبع رسید و چون مدت‌ها است که نسخ آن نایاب شده است به چاپ چهارم آن در جزو انتشارات امیرکبیر مبادرت شد. هنگامی که به تألیف این کتاب پرداختم بر آن بودم که مجلدات دیگر آن را در ابواب مختلف علوم عقلی در تمدن اسلامی تا قرن پنجم هجری آماده چاپ کنم و به همین نیت یادداشت‌های بسیار در زمینه آن علوم و تاریخ هریک از آن‌ها جمع‌آوری شد ولی حوادث و مشاغل گوناگون مانع تدوین و نشر مجلدات دیگر گشت و در این میان تألیف کتاب تاریخ ادبیات در ایران موجب گردید که تا حدی از ادامه کار درباره کتاب حاضر مستغنی شوم، زیرا در هر مجلد از آن سیر علوم در ایران عهد اسلامی و تاریخ هریک از آن دانش‌ها در ادوار مختلف مورد بحث قرار گرفته است، چنان که همان مباحث را می‌توان در ادامه کتاب حاضر قرار داد و مکمل آن شمرد.

موضوعی که در این جا قابل ذکر است آن که در این کتاب اسامی عده کثیری از دانشمندان یونانی و سریانی زبان و هندی و ایرانی و آثارشان و هم چنین نام شهرها و ناحیت‌ها به نحوی که در میان مسلمانان شهرت داشته ضبط شده و ضبط اصلی یا ترجمه‌های اروپایی آن‌ها غالباً در حواشی صحایف مذکور افتاده و به همین سبب است که مثلاً خواننده در متن کتاب اسم عربی شده Diophantos را به صورت «ذیوفنتس» می‌یابد و یا کتاب Quadripartitum را با عنوان «کتاب الاربعه» می‌شناسد و با Ptolemaios Klaudios به نام «بطلمیوس القلوذی» آشنا می‌شود. پیش گرفتن این شیوه بدان سبب است که این کتاب درباره سیر علوم در تمدن اسلامی تألیف شده و طبعاً باید نام‌های دانش‌ها و دانشمندان و اثرهای آنان را بدان نحو یاد کرد که در میان مسلمانان معمول بوده و در کتاب‌ها و مدرسه‌ها و مرکزهای علمی به کار می‌رفته است، و خواننده گرامی به یقین واقف است که گاه تطبیق اسامی به دشواری و با مقابله دقیق منابع شرقی و غربی انجام گرفته است. خداوند جان و خرد راهنمای ما به سوی درستی‌ها باد.

تهران، ششم مهرماه ۱۳۵۵

ذبیح‌الله صفا